

معنی کلمات درس ۷ عربی دهم

ضِعْف: برابر در مقدار «ضِعْفَيْن: دو برابر»	تَجَمَّعَ: جمع شد	أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد
طُيُور: پرندگان «مفرد: طَير»	تَيَّار: جریان	أَرْشَدَ: راهنمایی کرد
عَرَفَ: معرّفی کرد	جَمَاعِي: گروهی	أَرْضَعَ: شیر داد
عَزَمَ: تصمیم گرفت	حَادٍ: تیز	أَعْلَى: بالا، بالاتر
عَتَّى: آواز خواند	دَلَفَيْن: دلفین‌ها	أَتَّفَقَ: اتفاق کرد
قَفَرَ: پرید، جهید	دَوَّرَ: نقش	أَنُوفَ: بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
لَبُونَه: پستاندار	ذَاكِرَه: حافظه	أَوْصَلَ: رسانید
كَذَلِكَ: همین طور	رائع: جالب	بِحَار: دریاها «مفرد: بَحْر»
مُنْقَذَ: نجات دهنده	سَمَكُ الْفَرَشِ: کوسه ماهی	بَكَى: گریه کرد
مَوْسُوعَه: دانشنامه	شَاطِئِ: ساحل «جمع: شَوَاطِئِ»	بَلَغَ: رسید
	صَفَرَ: سوت زد	بَلَى: آری

جواب صحیح و غلط صفحه ۹۴ عربی دهم

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

با توجه به متن درس درست و نادرست را مشخص کنید.

۱- الدَّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا. درست ✓

معنی: دلفین از حیوانات پستانداری هست که بچه هایش را شیر میدهد.

۲- يُوَدِّي سَمَكُ الْفَرَشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ. نادرست ✗

معنی: کوسه ماهی نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کند

۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلَافِينَ عَشْرَ مَرَّاتٍ. نادرست ✗

معنی: شنوایی انسان ده برابر برتر از شنوایی دلفین است

۴- سَمَكَ الْفَرَسُ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ. نادرست ✗

معنی: کوسه ماهی دوست انسان در دریاست.

۵- سَمَكَ الْفَرَسُ عَدُوَّ الدَّلَافِينَ. درست ✓

معنی: کوسه ماهی دشمن دلفین ها است.

۶- لِلدَّلَافِينَ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ. درست ✓

معنی: دلفینها بینی های تیزی دارند.

جواب و معنی صفحه ۹۷ عربی دهم

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ / خودت را بررسی کن

□ عَيْنِ الْمُحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّةِ.

نقطه عطف کلمات رنگی را مشخص کنید.

۱- أَلْعَلُّمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. أَلْعَلُّمٌ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

معنی: خَیْر (خبر و مرفوع به تنوین رفع) / أَلْعَلُّمُ (مبتدا و مرفوع به ضمه) / كَ (مفعول و مبنی) / الْمَالُ (مفعول و منصوب به فتحه)

۲- {قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...} الْعَنَكَبُوت: ۲۰

معنی: فِي الْأَرْضِ: جار و مجرور

جواب و معنی صفحه ۹۸ عربی دهم

□ تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

این جملات را ترجمه کنید

۱- {رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ}

معنی: پروردگارا مرا بر پا دارنده نماز قرار ده.

۲- اَللّٰهُمَّ اِنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي.

معنی: پروردگارا به من سود برسان نسبت به آنچه که به من آموختی و به من بیاموز هر آنچه که به من سود میرساند.

۳- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ.

معنی: برآستی که خداوند مرا فرمان داد با مردم مدارا کنم، همانطور که برپا داشتن واجبات را بر من فرمان داده بود.

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُورًا وَ اجْعَلْنِي صَبُورًا وَ اجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا.

معنی: پروردگارا مرا بسیار شکر گزار و بسیار شکوفا قرار ده و مرا در چشمم کوچک و در چشمان مردم بزرگ گردان.

ترجمه حوار صفحه ۹۹ عربی دهم

مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ

با مدیر داخلی خدمات هتل

السَّائِحُ گردشگر	مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ مسئول پذیرش
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْئُولُ تَنْظِيفِ الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟ ببخشید؛ چه کسی مسئول تمیز کردن اتاق ها و نگهداری از آنهاست؟	السَّيِّدُ دِمَشْقَى مُشْرِفُ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟ آقای دمشقی مدیر داخلی خدمات اتاقهای هتل است. مشکل چیست؟
لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ. اتاقها تمیز نیستند و کمبود هایی در آنهاست.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، إِسْتَرْخُ؛ سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ. از شما معذرت میخوام. لطفاً استراحت کن؛ با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت
مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ. مسئول پذیرش با مدیر داخلی تماس میگیرد و مدیر داخلی همراه مهندس تعمیرات میآید.	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ مدیر داخلی خدمات هتل	السَّائِحُ گردشگر
مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟! دوست من، مشکل چیست؟!	لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زُمْلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ. اتاق من و دوستانم تمیز نیست، و کمبودهایی دارند.
سَيَأْتِي عَمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلَاتُ الْآخَرَى؟ نظافتچی ها خواهند آمد، و مشکلات دیگر چیست؟	فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ، در اتاق اول تختی شکسته است وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ، و در اتاق دوم ملافه کم است وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّالِثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ . و در اتاق سوم کولر کار نمی کند.
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي. از شما عذرخواهی می کنیم. همه چیز را به سرعت تعمیر خواهیم کرد؛ بر روی چشمم.	تَسْلَمَ عَيْنُكَ! چشمت سلامت (چشمت بی بلا)

♦ تمرین یک _ الاول

عَيْنَ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

جملات صحیح و نادرست را با توجه به حقیقت و واقعیت کنید.

۱ - عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرِبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ. درست ✓

معنی: هنگامی که جریان برق قطع میشود همه جا در تاریکی فرو میرود

۲ - الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْأَمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ. نادرست ✗

معنی: طاووس از پرندگان آبی است که بالای کوههای یخی زندگی میکند

۳ - الْمَوْسُوْعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ. نادرست ✗

معنی: دانشنامه؛ لغتنامه بسیار کوچکی است که اندکی از دانشها را در برمیگیرد.

۴ - الْأَشْطَاطُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجَوَارِ الْبَحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ. درست ✓

معنی: ساحل منطقههای خشک در کنار دریاها و اقیانوس هاست

۵ - الْأَنْفُ عَضْوُ التَّنَفُّسِ وَ الشَّمِّ. درست ✓

معنی: بینی عضو تنفس و بویایی است.

۶ - الْخُفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ. درست ✓

معنی: خفاش پرندهای از پستانداران است.

جواب صفحه ۱۰۰ درس ۷ عربی دهم

♦ تمرین دوم _ الثانی

ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

یک کلمه مناسب از کلمات زیر را در جای خالی قرار دهید. “دو کلمه اضافی”

أَنُوفٌ = بینی ها / دَوْرٌ = نقش / قَفَرٌ = پرید ، جهش کرد / بَلَّغْنَا = رسیدیم / أَسْرَى = اسیر / أَسَاوَرَ = دستبند /
الذَّاكِرَةُ = حافظه / تَيَّارٌ = جریان

۱ - اشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوَرَ مِنْ ذَهَبٍ.

معنی: پدرم برای خواهر کوچکم دستبندهایی از طلا خرید.

۲ - كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ دَوْرَهُ بِمَهَارَةٍ بِالْعَةِ.

معنی: هر دانش آموزی نقش خود را با مهارتی کامل بازی می کرد.

۳ - قَالَ الطَّلَابُ: بَلَّغْنَا السَّنَةَ السَّادِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.

معنی: دانش آموزان گفتند: به سال ۱۶ از عمر (سن ۱۶ سالگی) رسیدیم.

۴ - عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَ حَدَثَ تَيَّارٌ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.

معنی: بادهای شدید وزید و جریانی در آب اقیانوس ایجاد شد.

۵- أَنْصَحَكَ بِقِرَاءِهِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النَّسِيَانِ.

معنی: تو را به خواندن کتابی درباره راههای تقویت حافظه سفارش (نصیحت) می‌کنم چون تو خیلی فراموشکاری.

۶- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جِدًّا قَفَزَ مِنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّالِثِ.

معنی: همکلاسی بسیار باهوشی داریم که از کلاس اول به کلاس سوم جهش کرد.

جواب صفحه ۱۰۱ درس ۷ عربی دهم

♦ تمرین سوم _ الثالث

□ تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ.

آیات و روایات زیر را ترجمه کنید سپس زیر جار و مجرور خط بکشید.

۱- ﴿وَ أَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾

معنی: تو به رحمتت مرا در [ردیف] بندگان شایستهات وارد کن

جار و مجرور: بِرَحْمَتِكَ (کسره -)

جار و مجرور: فِي عِبَادِكَ (کسره -)

۲- ﴿وَ أَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

معنی: تو ما را بر قوم کافران یاری کن

جار و مجرور: عَلَى الْقَوْمِ (کسره -)

۳- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ .

معنی: ادب انسان از طلای (ثروت) او بهتر است.

جار و مجرور: مِنْ ذَهَبِهِ (کسره -)

۴- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ.

معنی: بر تو باد ذکر خدا که آن روشنایی دلهاست.

جار و مجرور: بِذِكْرِ (کسره -)

۵- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ .

معنی: زیبایی دانش نشر آن و میوه‌اش، عمل کردن به آن است.

جار و مجرور: بِهِ (کسره -)

جواب صفحه ۱۰۲ درس ۷ عربی دهم

♦ تمرین چهارم _ الرابع

□ عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ.

کلمات مترادف و متضاد را مشخص کنید

بَعَثَ	صِغَارَ	شَاطِئِ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَارَ	أَقْلَ	ضَوْءَ	بَعُدَ	سَاحِلَ
ضَحِكَ	ظَلَامَ	أَكْثَرَ	بَغْتَةً	قُرْبَ	دَفَعَ	فَجَاءَ	كَتَمَ	إِسْتَلَمَ	سَتَرَ

بَغَى ضَجِكَ گریه کرد – خندید	بَعَثَ = أَرْسَلَ فرستاد
أَقَلَّ أَكْثَرَ کمتر – بیشتر	بَعَثَهُ = فُجِئَهُ ناگهان
ضَوءٌ ظَلَامٍ نور – تاریکی	كَتَمَ = سَتَرَ پنهان کرد – پوشاند
دَفَعَ إِسْتَمَّ پرداخت کرد – دریافت کرد	شَاطِئُ = سَاحِلُ ساحل
بَعُدَ قَرَبَ دور شد – نزدیک شد	صِغَارٌ كِبَارُ کوچک‌ها – بزرگ‌ها

جواب صفحه ۱۰۳ درس ۷ عربی دهم

♦ تمرین پنجم _ الخامس

□ تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الْمُتَقَاتِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

- ۱- کوچک‌ها: صِغَارُ
- ۲- این‌طور: كَذَلِكَ
- ۳- تیز: حَادَّةٌ
- ۴- پدیده: ظَاهِرَةٌ
- ۵- سوت زدند: صَفَرُوا
- ۶- روغن‌ها: زُبُوت
- ۷- نقش: نَقْشٌ
- ۸- شنوایی: سَمْعٌ
- ۹- جالب: رَائِعٌ
- ۱۰- نجات دهنده: مُنْقِذٌ
- ۱۱- نامیدیم: سَمَّيْنَا
- ۱۲- دستبند: سِوَارٌ
- ۱۳- گرم و صمیمی: حَمِيمٌ
- ۱۴- برف‌ها: ثُلُوجٌ
- ۱۵- حافظه: ذَاكِرَةٌ
- ۱۶- پستاندار: لَبُونَةٌ
- ۱۷- پرندگان: طُيُورٌ

- ۱۸- رسانید: أَوْصَلَ
 ۱۹- باران بارید: اَمْطَرَ
 ۲۰- بخشید: عَفَا
 ۲۱- می‌رسند: يَبْلُغُنَ
 ۲۲- ترانه خواندید: غَنَيْتُمْ
 ۲۳- گریه کرد: بَكَى

↓ رمز

ص	غ	ا	ر	۱) کوچک‌ها
ک	ذ	ل	ک	۲) این‌طور
ح	ا	د	ة	۳) تیز
ظ	ا	ه	ر	۴) پدیده
ص	ف	ر	و	۵) سوت زدند
	ز	ی	و	۶) روغن‌ها
	د	و	ر	۷) نقش
	س	م	ع	۸) شنوایی
	ر	ا	ی	۹) جالب
	م	ن	ق	۱۰) نجات‌دهنده
س	م	ی	ن	۱۱) نامیدیم
	س	و	ا	۱۲) دست‌بند
	ج	م	ی	۱۳) گرم و صمیمی
	ث	ل	و	۱۴) برف‌ها
ذ	ا	ک	ر	۱۵) حافظه
ل	ب	و	ن	۱۶) پستاندار
	ط	ی	و	۱۷) پرندگان
	ا	و	ص	۱۸) رسانید
	ا	م	ط	۱۹) باران بارید
	ع	ف	ا	۲۰) بخشید
ی	ب	ل	غ	۲۱) می‌رسند
غ	ن	ی	ت	۲۲) ترانه خواندید
	ب	ک	ی	۲۳) گریه کرد

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع):

«الذَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

روزگار دو روز است یک روز به سود تو و روزی به ضرر تو».

جواب صفحه ۱۰۴ درس ۷ عربی دهم

♦ تمرین ششم _ السادس

□ تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّةَ.

آیه و احادیث را ترجمه کن سپس نقش کلمات رنگی را مشخص کن.

۱ - ﴿وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾

معنی: کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

الْكَافِرُ: فاعل و مرفوع به ضمه

۲ - مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

معنی: همنشینی با دانشمندان، عبادت است.

مُجَالَسَةُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / عِبَادَةُ: خبر و مرفوع به تنوین رفع

۳ - حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

معنی: سؤال خوب نصف علم است.

حُسْنٌ: مبتدا و مرفوع به ضمه / نِصْفٌ: خبر و مرفوع به ضمه

۴ - اَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

معنی: دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

اَلْعَالِمُ: مبتدا و مرفوع به ضمه

۵ - إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

معنی: هنگامی که انسان می‌میرد عمل او قطع می‌شود جز سه چیز:

صَدَقَهُ جَارِيهِ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

معنی: صدقه جاری یا مداوم، یا علمی که از آن سود برده می‌شود یا فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند.

الْإِنْسَانُ: فاعل و مرفوع به ضمه / عَمَلٌ: فاعل و مرفوع به ضمه

جواب انوار قرآن صفحه ۱۰۵ درس ۷ عربی دهم

عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَهُ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

□ در آیه شریفه ترجمه آنچه را که زیر آن خط کشیده شده مشخص کنید.

۱ - ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْخَيْرَ بِالصَّالِحِينَ...﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به شایستگان پیوند بده؛

۲ - ﴿وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ...﴾

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار بده؛

۳- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۴- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند؛

۵- ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۶- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ البقره: ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

جواب بحث علمی درس هفتم عربی دهم صفحه ۱۰۶

إِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثٍ أَوْ أَمْثَالٍ لَهَا مُعَادِلٌ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، كَالْأَمَثِلَةِ النَّالِيَةِ.

در جستجوی آیات یا احادیث یا امثال فارسی باش که معادل داشته باشند، مانند مثال‌های زیر.

(وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ) البقره: ۱۱۰

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست (سعدی شیرازی)

(وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ) الفوری: ۴۰

بلی صامت سزای جنگ، جنگ است گلوخ انداز را پاداش سنگ است (صامت بروجردی)

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ) آل عمران: ۱۵۹

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند (مولوی)

جواب بحث علمی صفحه 106 عربی دهم

۱ «(لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ)». آیه 67 سوره انعام

معنی: هر خبری را وقت معینی است.

معادل فارسی: ب هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.

۲ «(أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ)» (79)

معنی: مگر نه این است که صبح امید (پیروزی) نزدیک است؟»

معادل فارسی:

از امروز کاری به فردا ممان / چه دانی که فردا چه گردد زمان

گلستان که امروز باشد ببار / تو فردا چینی گل نیاید به کار

«فردوسی»

۳ «(اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ)»

معنی: خداوند، او و شما را روزی می‌دهد.

معادل فارسی: هر آن کس که دندان دهد، نان دهد.

۴ «(وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)»

معنی: انسان را نیست جز آنچه کوشش کند.

معادل فارسی: به جز از کشته خویش نَدروی.
یا ضرب المثل: نا برده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

۵ «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ»...

معنی: گناهکاران به چهره و سیمایشان شناخته شوند.
معادل فارسی: رنگ رخسار خبر می دهد از سرّ ضمیر